

به نام آن خدای که مهربانیش بهانه ای نیکو برای دلدادگی است.

بررسی درس دوازدهم علوم و فنون ادبی پایه دوازدهم انسانی .

حسن تعلیل (بهانگی نیک) ، حس آمیزی و اسلوب معادله .

حسن تعلیل ، آوردن دلیل و برهان زیبا و نیکو است و در اصطلاح ادبی آن است که بهانه و علتی هنری برای چیزی بیاورند و آن دلیل غیرواقعی است اما زیبایی ادبی می آفریند.

نمونه از رودکی :

من موی خویش را نه از آن می کنم سیاه تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه

چون جامه ها به وقت مصیبت سیاه کنند من موی از مصیبت پیری کنم سیاه.

همان گونه که می بینیم در بیت دوم دلیل سیاه کردن موهای خویش را عزاداری برای مصیبت پیری می داند حال آن که بهانه ایست نیکو ، نه راستین .

نمونه دیگر از بهار :

تا چشم بشر نبیندت روی بنهفنه به ابر چهر دلبند

شاعر برای بلندی و در ابر بودن قله دماوند این گونه دلیل می آورد که می خواهد روی خویش را از چشم مردم پنهان بدارد و این بهانه ایست نیکو و حسن تعلیل .

نیز در نمونه زیر (منسوب به میرزاحبیب خراسانی) :

دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی مردادمه و گاه دی اش نام نهادند .

دلیل نامیدن مرداد و دی را بدین نام ها ، دل گرمی و دم سردی مردم دانسته است (مرداد گرمای خود را از دل ما گرفته و دی ، سرما را از دم سرد ما گرفته است.) که بهانه ای هنری است اما راستین نیست.

نمونه ای دیگر از حسن تعلیل :

پیش دهند پسته زتنگی زده لاف زان است که هرکس دهندش پاره کند .

در این بیت نیز شاعر دلیل باز کردن پسته هارا این دانسته که پسته در برابر دهان معشوقش لاف تنگی زده و باید یه سزای این سخن دروغ و گزاف دهانش پاره کنند تا نتواند بیش چنین لافی زند .

حس آمیزی:

در آمیختن دو یا چند حس در سخن است به گونه ای که زیبایی آفریند . گاهی نیز آمیختن یکی از حواس با چیزی ذهنی و انتزاعی است.

نمونه :

شمع روشن می توان کرد از صدای عندلیب رنگ ها خفته است اینک در نوای عندلیب .(بیدل)

در مصراع دوم " رنگ ها " وابسته به حس بینایی است و " نوا " وابسته به حس شنوایی است و شاعر این دو حس را در آمیخته و زیبایی آفریده است .

نمونه دیگر :

مرد نقال آن صدایش گرم ، نایش گرم ... (اخوان)

در ترکیب "صدایش گرم" ، صدا برای حس شنوایی است و گرم با حس لامسه دریافت می شود .

نمونه از حافظ :

بوی بهبود زاوضاع جهان می شنوم شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد .

"بوی" با حس بویایی و "می شنوم" با شنوایی در پیوند است .

در نمونه زیر از سید مهدی شجاعی :

ولی اصرارهای من که بوی التماس می داد، عاقبت شما را متقاعد کرد .

اصرار و التماس را که در سخن است و شنیداری است ، با بوی که از آن حس بویایی است ، پیوند داده و حس آمیزی آفریده است .

اسلوب معادله :

آن است که دو مفهوم یا دو عبارت در دو مصراع یا در دو بیت بیاورند به گونه ای که یکی از آن دو ، نمونه و معادلی باشد برای روشن کردن و تایید دیگری . در اسلوب معادله می توان جای دو مصراع یا دو بیت را عوض کرد و یا بین آن ها عبارت " همان گونه که " افزود .

مولوی :

محرم این هوش جز بی هوش نیست مر، زبان را مشتری جز گوش نیست .

بلخ زاده دلداده در قونیه، در مصراع نخست مفهومی ذهنی آورده که دریافت آن کمی دشوار است (تنها کسی که بی هوش و ناآگاه از خویش است و پای بر سر خویشتن نهاده و خودبینی را رها کرده با این هوش و آگاهی یا عشق خداوند محرم است) ، سپس در مصراع دوم مفهومی حسی و آسان و آشکار را می آورد و با کمک آن ، مفهوم مصراع نخست را پذیرفتنی می کند و این یکی از کاربردهای اسلوب معادله است .

دو نمونه از سراینده نازک اندیش و توانا، صایب :

اظهارعجز پیش ستم پیشگان خطاست اشک کباب موجب طغیان آتش است .

اسلوب معادله دارد و میتوانیم بین دو مصراع " همانطور که " بیفزاییم .

لقمه افتد زدهان چون نبود قسمت کس روزی اره نگر کاز بن دندان ریزد .

میتوان بین دو مصراع " همان طور که " افزود و یا جای دو مصراع را عوض کرد .

خودارزیابی

۱. در کدام یک از بیت های زیر اسلوب معادله آمده است؟ توضیح دهید .

ا- نیست پروا تلخ کامان را ز تلخی های عشق آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است .

اسلوب معادله دارد زیرا مصراع دوم نمونه ای حسی تر و آشکارتر برای تایید مصراع نخست است و همچنین می توان بین دو مصراع "همان گونه که" افزود یا جای دو مصراع را عوض کرد .

ب - فکر شنبه تلخ دارد جمعه اطفال را عشرت امروز بی اندیشه فردا خوش است.

آرایه اسلوب معادله دارد چون می توانیم جای مصراع هارا عوض کنیم یا بین دو مصراع ، مساوی بگذاریم .

ج - با کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است.

اسلوب معادله در بیت وجود دارد و می شود بین دو مصراع مساوی گذشت و جای دو مصراع را عوض کرد .

د - تنور لاله چنان برفروخت باد بهار که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد .

اسلوب معادله در این بیت یافت نمی شود .

ه - پشت گوژ آمد فلک در آفرینش تا کند هرزمان پیشت زمین بوس از برای افتخار .

اسلوب معادله ندارد اما حسن تعلیل دارد . (شاعر دلیل خمیدگی آسمان را این می داند که خم شده تا در برابر تو زمین ببوسد و با بزرگ داشت تو برای خویشتن افتخار به دست آورد .)

و - سرکشان را فکند تیغ مکافات زپای شعله را زود نشانند به خاکستر خویش .

اسلوب معادله دارد زیرا می توان جای دو مصراع را عوض کرد یا بین آن ها "همان گونه که" افزود . مصراع دوم نمونه ای حسی و آشکار و تاییدی برای مصراع نخست است .

ز - بی کمالی های انسان از سخن پیدا شود پسته بی مغز چون لب وا کند رسوا شود.

اسلوب معادله دارد چون مصراع دوم تایید و نمونه ای حسی برای مصراع اول است و می شود جای دو مصراع را عوض کرد یا بین آن ها مساوی گذاشت .

ح - آزاده راجفای فلک بیش می رسد اول بلا به عاقبت اندیش می رسد .

اسلوب معادله دارد زیرا می توانیم جای مصراع هارا عوض کنیم .

ط - ملامت از دل سعدی فرو نشوید عشق سیاهی از حبشی چون رود که خود رنگ است .

اسلوب معادله دارد و می توانیم جای مصراع ها را عوض کنیم و یا بین دو مصراع " همان گونه که " اضافه کنیم.

۲. در بیت ها و عبارت های زیر حس آمیزی را بیابید و توضیح دهید .

۱ - خداوند لباس هراس و گرسنگی را به آن ها چشانند .

"لباس" پوشیدنی است و باحس لامسه پیوند دارد و "چشانند" با حس چشایی .

ب - نجوای نمناک علف ها را می شنوم .

نمناک بودن نجوا ، درآمیختن دو حس لامسه و شنوایی است .

ج - ازین شعر تر شیرین زشاهنشه عجب دارم که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی گیرد .

در ترکیب "شعرت" ، دو حس شنوایی و لامسه را پیوند داده است و در ترکیب "شعر شیرین" ، دو حس شنوایی و چشایی را با هم درآمیخته است .

د - ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه ایم لیک تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است .

"تلخ شنیدن" در هر دو مصراع ، درآمیختن دو حس چشایی و شنوایی است .

ه - بوی دهن تو از چمن می شنوم رنگ تو ز لاله و سمن می شنوم .

در مصراع نخست ، "شنیدن بو" برای دو حس شنوایی و بویایی است که با هم پیوند داده و در

مصراع دوم ، "شنیدن رنگ" با دو حس شنوایی و بینایی در پیوند است .

و - خط شکسته را هم محکم تر و بامزه تر از دیگران می نوشت .

"خط" با حس بینایی و "بامزه" با حس چشایی پیوند دارد .

۳ . در کدام یک از بیت های زیر آرایه حسن تعلیل یافت می شود؟ توضیح دهید .

۱ - عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت که چندین گل اندام در خاک خفت .

شاعر در مصراع دوم دلیلی ادعایی اما زیبا برای رویدن گل از خاک می آورد و آن ، در خاک خفتن زیبارویان است . حسن تعلیل دارد .

ب - اشک سحر زداید از لوح دل سیاهی خرم کند چمن را باران صبحگاهی .

در این بیت اسلوب معادله وجود دارد چون مصراع دوم نمونه حسی و تاییدی است برای مصراع نخست و می توان جای مصراع ها را عوض کرد اما حسن تعلیل ندارد.

ج - به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می پرد از شوق چشم کوکب ها .

حسن تعلیل دارد . شاعر برای چشمک زدن ستاره ها و سیاره ها دلیلی هنری در مصراع نخست آورده که همان نازو کرشمه معشوق است .

د - سپهر مردم دون را کند خریداری بخیل سوی متاعی رود که ارزان است .

اسلوب معادله دارد و می توان جای دو مصراع را عوض کرد .

ه - خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده که اندر خاک می جویند ایام جوانی را .

حسن تعلیل دارد . شاعر در مصراع دوم دلیلی ادعایی و هنری (جستجوی جوانی در خاک)، برای خم شدن کمر پیران آورده است .

سیف اله عسگری دبیر ادبیات ازنا - لرستان / گروه دبیران ادبیات ایران ۱۳۹۷

[کانال ادبیات جامع یازدهم و دوازدهم](https://t.me/adabiyatjame11) <https://t.me/adabiyatjame11>

[کانال ادبیات جامع یازدهم و دوازدهم](https://t.me/adabiyatjame11) <https://t.me/adabiyatjame11>

گروه دبیران ادبیات ایران ، درس ۱۲ ، علوم و فنون ۳

سیف‌الله عسکری